وحدت اسلامی؛ ضرورت راهبردی جهان اسلام در مواجهه با تفرقه‌افکنی سازمان‌یافته!



در شرایط پیچیده و پرچالش جهان معاصر، «وحدت اسلامی» نه یک شعار آرمانی، بلکه ضرورتی راهبردی برای بقا، عزت و پیشرفت امت اسلام به‌شمار می‌آید. هرچند مسلمانان در طول تاریخ همواره با دشمنان مشترک روبه‌رو بوده‌اند، اما گستره و پیچیدگی تهدیدهای امروز، از جنگ‌های نیابتی و نزاع‌های فرقه‌ای تا پروژه‌های رسانه‌ای و امنیتی، اهمیت وحدت را بیش از هر زمان دیگری برجسته ساخته است.

وحدت و پرهیز از تفرقه، ریشه‌ای عمیق در تعالیم قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم(ص) و پیشوایان دین دارد. تأکید قرآن بر اعتصام جمعی به «حبل‌الله» و معرفی مؤمنان به‌عنوان «برادر» یکدیگر، ناظر بر حقیقتی بنیادین است: امت اسلامی، با وجود تنوع مذهبی و قومی، بر مشترکات اساسی اعتقادی، کتاب آسمانی واحد، پیامبر واحد و قبله‌ای مشترک استوار است. تجربه تاریخی هجرت پیامبر(ص) به مدینه و برقراری پیوند اخوت میان مهاجر و انصار، نمونه‌ای روشن از مدیریت اختلافات اجتماعی در جهت تثبیت وحدت امت است.

با این حال، واقعیت تلخ تاریخ اسلام نشان می‌دهد که از همان سده‌های نخست، دشمنان اسلام با بهره‌گیری از اختلافات داخلی و در مواردی با سوءاستفاده از ساده‌لوحی یا منافع‌طلبی برخی افراد و جریان‌ها، شکاف‌های مذهبی را تعمیق کرده‌اند. پس از رحلت پیامبر(ص)، هرچند جامعه اسلامی دچار اختلاف شد، اما سیره امیرمؤمنان علی(ع) نشان داد که حفظ اصل اسلام و جلوگیری از فروپاشی جامعه نوپای اسلامی، بر پیگیری حقوق فردی مقدم است؛ الگویی که همچنان می‌تواند چراغ راه امت اسلامی باشد.

در دوره‌های بعد، به‌ویژه در عصر جدید، پروژه تفرقه‌افکنی با شکل‌های پیچیده‌تری دنبال شد. قدرت‌های استعمارگر با تقسیم جغرافیای جهان اسلام، ترویج ناسیونالیسم افراطی، ترسیم مرزهای مصنوعی و تحمیل حاکمان وابسته، وحدت مسلمانان را هدف قرار دادند. در این میان، عادی‌سازی ارتباط با رژیم صهیونیستی به‌عنوان دشمن مشترک امت اسلامی، یکی از مصادیق آشکار ضربه به همبستگی جهان اسلام و شکستن یک اجماع تاریخی به‌شمار می‌رود؛ اقدامی که پیامدهای آن امروز در منطقه به‌وضوح قابل مشاهده است.

در کنار این عوامل، نقش برخی جریان‌های مذهبی وابسته و فرقه‌های ساختگی نیز در تشدید اختلافات انکارناپذیر است. تئوریزه‌کردن اختلافات جزیی، تکفیر متقابل و اهانت به مقدسات یکدیگر، عملاً زمینه را برای نفوذ دشمنان مشترک و تضعیف کل پیکره امت اسلامی فراهم کرده است. این در حالی است که تاریخ معاصر شاهد تلاش‌های ارزشمند مصلحان بزرگی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، آیت‌ا‌ بروجردی، شیخ محمود شلتوت و دیگر منادیان وحدت شیعه و سنی بوده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و طرح گفتمان بیداری اسلامی توسط امام خمینی، مسئله وحدت وارد مرحله‌ای تازه شد و بسیاری از مسلمانان در نقاط مختلف جهان به این ندای وحدت پاسخ دادند. با وجود این، باید اذعان کرد که در برخی مقاطع، کوتاهی نخبگان، رقابت‌های سیاسی، سوءاستفاده از احساسات مذهبی و غفلت از واقعیات جهان معاصر، موجب تضعیف این آرمان شده است.

در چنین شرایطی، بازگشت به اصولی روشن و مورد اتفاق جهان اسلام ضروری است: تکیه بر مشترکات اعتقادی، پرهیز از دامن‌زدن به اختلافات در فضاهای عمومی، حفظ حرمت متقابل مذاهب، گفت‌وگوی مستمر و صادقانه رهبران دینی، و تعمیق روابط میان کشورهای اسلامی. گفت‌وگوی درون‌اسلامی، به‌ویژه میان مذاهب، باید بر هرگونه گفت‌وگوی بیرونی تقدم داشته باشد و مناسکی همچون حج، ظرفیت بی‌بدیلی برای تحقق این هدف فراهم می‌کند.

بی‌تردید، جهان اسلام با جمعیتی گسترده و منابع انسانی و طبیعی کم‌نظیر، توان تبدیل‌شدن به یک قطب اثرگذار بین‌المللی را دارد؛ مشروط بر آنکه وحدت را نه در حد شعار، بلکه به‌عنوان یک راهبرد عملی دنبال کند. تجربه اتحادیه‌های منطقه‌ای در جهان امروز نشان می‌دهد که همگرایی، ضامن امنیت و قدرت است. حرکت در این مسیر، همان‌گونه که امام خمینی ترسیم می‌کرد، می‌تواند موازنه قدرت جهانی را به نفع مسلمانان و مستضعفان تغییر دهد.

وحدت اسلامی، امروز بیش از هر زمان دیگر، نیازمند عقلانیت، شجاعت، گفت‌وگو و ترجیح منافع کلان امت بر منافع زودگذر سیاسی و فرقه‌ای است؛ ضرورتی که تحقق آن، آینده جهان اسلام را رقم خواهد زد.